

بهترین روش ها و فنون تدریس در دبستان

سمیرا جهانگیری مغانلو

چکیده:

برای یادگیری تعریف های گوناگونی ارائه شده است، رفتارگرایان، یادگیری را تغییر در رفتار قابل مشاهده و اندازه گیری تعریف کرده اند؛ ولی از دیدگاه مکتب کشتالت یادگیری عبارت از کسب بینش های جدید یا تغییر در بینش های گذشته است ولی باید گفت؛ یادگیری با هر بینشی که تعریف شود اساس رفتار انسان را تشکیل می دهد و نخستین صفت مشخص آن تغییر است. از بین همه ی تعریف هایی که از یادگیری شده است جامع ترین تعریف مربوط به دونفر از روانشناسان به نام های "هیلگارد، ومارکوئر." است که گفته اند: یادگیری عبارت از فرایند تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه ی فرد بر اثر تجربه است.

این تعریف را می توان در مفاهیمی هم چون فرایند تغییر نسبتاً پایدار، رفتار بالقوه و تجربه جستجو کرد. مفهوم فرایند بر وقایع و روابط پویا، جاری، مستمر و پیوسته در حال تغییر گفته می شود که یکی از مشخصات آن حرکت و پویایی است. یادگیری نیز نوعی تغییر است که در فرایند تجربه اتفاق می افتد. البته تغییراتی که در اثر رشد و بلوغ و یا عوامل دیگر در انسان حاصل میشود از نوع یادگیری نیست.

مفهوم رفتار بالقوه: تغییراتی که در اثر یادگیری در ساخت ذهنی افراد ایجاد می شود. در حال حاضر قابل اندازه گیری نیست به آن رفتار بالقوه گویند. اما وقتی مقداری از تغییرات حاصل از یادگیری به علت مساعد بودن شرایط، به رفتار بالفعل تبدیل شود به آن، رفتار بالفعل گویند که در اصطلاح به آن عمل کرد، هم گفته اند. در واقع عملکرد همان حاصل یادگیری است.

مفهوم تجربه کاربرد کلمه ی تجربه در تعریف به این معناست که تنها آن دسته از تغییرات رفتاری انسان را یادگیری میتوان نامید که محصول تجربه به معنی تاثیر متقابل فرد و محیط در یکدیگر باشد؛ و اگر تجربه را تعامل میان فرد و محیط بدانیم یادگیری را حاصل تلاش حرکت، فعالیت و مشارکت شخص یادگیرنده خواهیم دانست

شرایط یادگیری

شرایط یادگیری و محیط آن از عوامل بسیار مؤثر یادگیری است. محیط ممکن است فیزیکی باشد مانند: نور، هوا، تجهیزات و امکانات آموزشی. طبیعی است هر چه امکانات آموزشی برای یک فرد بیشتر فراهم شود یادگیری بهتر صورت خواهد گرفت. محیط ممکن است عاطفی باشد. رابطه معلم و شاگرد، رابطه ی شاگردان با هم، رابطه ی پدر و مادر باه، هم، همچنین نگرش خانواده و مربیان در زمینه ی تربیت کودکان در میزان یادگیری

شاگردان مؤثر است شرایط و محیط آموزشی منظم، همراه با محبت و احترام متقابل و همچون عاطفه به عنوان یک عامل بسیار مهم و مؤثر در یادگیری اثری مثبت دارد. صورتی که نداشتن امنیت خاطر، داشتن ترس و دلهره و نوسان در یادگیری شاگردان کاملاً اثری منفی دارد، با آنچه گفته شد. شرایط و موقعیت یادگیری باید متناسب با آمادگی، استعداد، احتیاج و گرایش شاگردان باشد و در آنان ایجاد انگیزه نماید زیرا داشتن انگیزه یکی از شرایط مهم و مؤثر در یادگیری هر فراگیر است یعنی اگر مجموعه‌ی عوامل موجود در محیط، برای شاگرد برانگیزاننده و قابل درک نباشد یادگیری صورت نخواهد گرفت.

هدف‌های آموزشی

هدف‌های آموزشی مقاصدی هستند که بیان‌کننده‌ی تغییرات مورد نظر در رفتار شاگردان است. آن دسته از هدف‌های آموزشی که به صورت هدف‌های کلی ارائه و بیان می‌شوند هدف‌های کلی و آموزشی گویند. هدف‌های کلی و آموزشی نتایجی است که انتظار می‌رود پس از آموزش یک موضوع درسی یا انجام فعالیت‌های تربیتی عاید دانش‌آموز گردد به همین جهت در بردارنده‌ی نتیجه‌ی یادگیری است. می‌گر "Meiger" یکی از صاحب‌نظران تعلیم و تربیت می‌گوید: هدف موقعیتی است که می‌خواهیم به آن برسیم. هدف‌های کلی آموزشی یا "هدف‌های نهایی آموزشی" هدف‌هایی هستند که به صورتی مبهم بیان می‌شوند ولی به هدف‌های جزئی "مرحله‌ای" و رفتاری "اجرایی" که از نظر آموزشی با ارزش هستند جهت می‌دهند و به معلم امکان می‌دهد تا تمام فعالیت‌های لازم را جهت کسب دانش‌ها و مهارت‌های جدید برای شاگرد طراحی کند.

۱- هدف‌های جزئی یا "مرحله‌ای - آموزشی" از هدف‌های کلی سرچشمه می‌گیرد ولی نسبت به هدف‌های کلی محدودتر و مشخص‌تر و نسبت به هدف‌های رفتاری کلی‌تر است. هر هدف کلی از هدف‌های جزئی چندی ترکیب شده است

۲- هدف‌های جزئی مهارت‌ها و توانایی‌هایی است که انتظار داریم دانش‌آموزان در جریان تدریس به آن‌ها برسند به همین جهت هدف‌های درسی را هدف‌های جزئی یا مرحله‌ای می‌گویند.

۳- هدف‌های رفتاری "هدف‌های اجرایی" به آن دسته از هدف‌ها گفته می‌شود که نوع رفتار و توانایی‌هایی که انتظار داریم شاگرد پس از یادگیری مطلبی خاص به آن‌ها برسد مشخص کند. هدف‌های رفتاری چون بر رفتار نهایی یعنی رفتاری که در پایان یک فعالیت آموزشی باید از شاگرد سر بزند تأکید می‌کند معیار خوبی برای مشاهده و اندازه‌گیری میزان یادگیری شاگردان خواهد بود.

ویژگی‌های یک هدف رفتاری خوب

۱- رفتاری که باید مشاهده شود دقیقاً مشخص باشد و با فعل رفتاری بیان شود

۲- شرایطی که رفتار باید مشاهده شود یا انجام گیرد مشخص شده باشد

۳- سطح اجرا "درجه موفقیت" باید دقیقاً مشخص باشد.

منظور از سطح اجرا معیاری است که با آن میزان موفقیت شاگرد در رسیدن به هدف های آموزشی سنجیده می شود مثلاً شاگرد پس از اتمام درس هشتاد درصد مفاهیم داده شده را به طور واضح و روشن تعریف کند به عنوان مثال دانش آموز بتواند در زمین چمن مسافت ۱۰۰ متر را در ۴ ثانیه بدود. دوییدن رفتار است. زمین چمن شرایط ۱۰۰ متر در ۴ ثانیه معیار و درجه ی مورد انتظار است.

طبقه بندی هدف های تربیتی

دانشمندان تعلیم و تربیت هدف های تربیتی را در سه حیطه شناختی ، عاطفی و روانی- حرکتی تقسیم بندی کرده اند

۱-حیطه شناختی . هدف های شناختی با آنچه که شاگرد باید بداند و بفهمد سروکار دارد. در این حیطه به طور کلی به آموختن مطالب و پیدا کردن شناخت در باره آنها مربوط می شود. این حیطه شامل آن دسته از هدف های آموزش است که مستلزم باز شناسی و یادآوری آموخته ها می باشد که معمولاً در شش سطح یا طبقه به شرح زیر قرار میگیرند.

۱-دانش - پایین ترین سطح یادگیری در حیطه شناختی کسب دانش و معلومات است . منظور از دانش این است که یادگیرنده بتواند از طریق یادآوری یا باز شناسی همان چیز هایی را که آموخته است عیناً و به طور حفظی باز پس دهد.

مثلاً: خواص هوا را بنویسید معنی این کلمه ها را بنویسید- غزوات حضرت محمد را نام ببرید - و

۲-فهمیدن "درک وفهم" یادگیری در این سطح ، عبارت است از توانایی پی بردن به مفهوم یک مطلب و بیان آن با جمله هایی که شخص خودش می سازد بدون آن که میان آن مطلب با مطالب دیگر چندان ارتباطی برقرار کند . در این سطح آموخته ها عمیق تر هستند و معمولاً مطالبی که با فهمیدن همراه باشد دیرتر فراموش می شوند. نمونه ی سوال های این سطح : در بیت زیر قافیه کدام اند- معنا و مفهوم این علامت ها بنویسید.

۳-به کار بستن (کاربرد)

یادگیری در این سطح ، عبارت است از توانایی کاربرد اصول علمی ، فرضیه ها ، قضایا و دیگر مفاهیم انتزاعی در شرایط و موقعیت مناسب بدون این که هیچ راه حلی ارائه شود درحقیقت به کار بستن فرا تراز فهمیدن و درک وفهم است مثلاً وقتی به دانش آموزمسأله ای داده میشوداو بدون این که به کمک کسی نیاز داشته باشد استفاده از مطالب یاد گرفته مسأله را حل می کند نمونه سوال های سطح کاربرد.

۱-هریک از واژه های زیر را در یک جمله به کار ببرید.

۲-چهار جهت اصلی مدرسه ی خود را با کشیدن یک نقشه مشخص کنید.

سطح تجزیه و تحلیل

مهارتهایی که به تجزیه و تحلیل مربوط می شوند در سطحی نسبتاً بالا تراز مهارت های مربوط به فهمیدن و کار بستن قرار دارند. در فهمیدن تأکید بر درک معنی و هدف مفهوم است در کار بستن تأکید بر یاد آوردن تعمیمها و اصول مناسب و ربط دادن آن با مفاهیم و مساله ی جدید و در تحلیل بر تقسیم کردن مباحث یا پدیده ها به اجزای تشکیل دهنده ی آنها و مشخص کردن ارتباط اجزاء با یکدیگر و نیز بداند عناصر یک کل چگونه سازمان بندی کند مثلاً شاگردی که بتواند در کلاس درس ادبیات فارسی یک جمله ی ادبی را از نظر دستوری تجزیه کند و نقش روابط کلمات تشکیل دهنده ی آن را مشخص نماید از نظریادگیری در سطح تجزیه و تحلیل قرار دارد.

نمونه ی هدف های شناختی در سطح تجزیه و تحلیل :

الف- توانایی نتیجه گیری از یک مطلب

ب- مهارت در تمیز دادن حقایق از فرضیه ها

نمونه ی سوال های شناختی در سطح تجزیه و تحلیل

الف- کلمه های زیر هر یک از چند بخش و چند صدا تشکیل شده اند.

ب- نقشه ی ایران را بکشید و محدوده ی استان های غربی کشور را روی آن مشخص نمایید.

تجزیه و تحلیل را به عنوان یک هدف آموزشی می توان به سه سطح جزئی تر تقسیم کرد. در سطح دوم از فراگیر خواسته می شود که روابط میان عناصر را مشخص کند. در سطح اول باید فراگیر بتواند موضوع را به اجزای تشکیل دهنده ی آن تجزیه کند. در سطح سوم باید فراگیر بتواند به صورت کل و یک پارچه به هم پیوند دهد.

۵- ترکیب

در این مرحله یاد گیرنده می تواند عواملی را که در مرحله تجزیه و تحلیل از همدیگر جدا نموده بود به طریقی نو برای رسیدن به یک معنی جدید به همدیگر ترکیب نماید. نمونه ی هدفهای شناختی در طبقه ی ترکیب :

توانایی آفرندگی در نوشتن داستان ، مقاله یا شعر

توانایی ایراد سخنرانی های فی البداهه

نمونه ی سوال های آزمون طبقه ی ترکیب :

درباره اهمیت مطالعه - فایده ی ورزش - نقش نیرو در زندگی بنویسید .

همچنین اگر دانشجوی علوم تربیتی با توجه به مطالب آموخته شده در درس "روش ها و فنون تدریس" در یک موقعیت ویژه، یک طرح آموزشی که برای تدریس مناسب باشد طراحی کند در این سطح از یادگیری قرار خواهد داشت.

ارزشیابی و قضاوت

ارزشیابی و قضاوت آخرین عالی ترین مرحله ی شناخت است. این مرحله شامل قضاوت برامور، اطلاعات و حتی روش های روبه روشن شدن با مسایل است. درواقع ارزشیابی نتیجه ی جریان شناخت است اگر دانشجوی ادبیات فارسی بتواند دو قطعه ی ادبی را از نظرنگارش و آرایه های ادبی با هم مقایسه کند در این سطح قرار خواهد داشت.

ارزشیابی بر اساس دو نوع معیار صورت می پذیرد.

الف- معیارهای درونی . ب - معیارهای بیرونی - در صورتی که یک اثر هنری مانند انشا به کسی بدهیم که بر اساس دقت و درستی آن، روابط اجزای یکدیگر، ضعف و قوت آن اثر قضاوت کند از معیارهای ذاتی و درونی استفاده کرده است اما اگر بخواهیم با اثر دیگر مقایسه کنیم از معیار بیرونی استفاده کرده ایم

نمونه ی سوال ها - از مقایسه جنگ های احد و خندق چه نتیجه ای می گیرید . دستخط های زیر را مقایسه نموده بهترین آن را انتخاب کنید.

۲-حیطه عاطفی

سطوح یادگیری در حیطه ی عاطفی

۱- دریافت و توجه کردن - این دسته از هدفها، شامل رفتارهایی است که از وجود پدیده خبر می دهد. در این مرحله شاگرد از حالت غیرفعال بیرون می آید و به یک شرکت کننده ی فعال تبدیل می شود. دریافت و توجه در تدریس عبارت است از جلب، حفظ و هدایت توجه شاگرد نسبت به فعالیت آموزشی، نتایج یادگیری در این قسمت ممکن است از آگاهی ساده نسبت به موضوع شروع شود و تا توجه حساب شده نسبت به آن موضوع تغییر کند. بنابراین وظیفه ی معلم است که با ایجاد شرایط مطلوب، توجه شاگرد را نسبت به پدیده ی مورد نظر جلب کند. اگر چنین کاری صورت بگیرد خود شاگرد یادگیری را با علاقه دنبال خواهد کرد.

۲- واکنش "پاسخ دادن" مهم تر از مطلع بودن و یا توجه کردن به آن است بنابراین پس از دریافت و توجه به یک پدیده از شاگرد انتظار می رود که احساس خود را فعالانه نمایان سازد. در این سطح پذیرفتن و درک مساله کافی نیست

بلکه شخص باید واکنشی در برابر مساله ی مورد نظرش نشان دهد دامنه سطح "واکنش" از پیروی و متقاعد شدن شروع می شود تا تمایل به پاسخ دادن و داوطلبانه اقدام کردن تا واکنش همراه با رضایت و خوشنودی پیش می رود. هدف هایی که با علاقه و میل و لذت بردن از آن همراه است در این سطح قرار دارند.

نمونه ی هدفهای این سطح با تمایل به همکاری با دیگران، تمایل به قبول مقررات بهداشتی در مدرسه -کسب لذت از صحبت کردن با افراد مختلف .

۳- ارزش گذاری

درونی شدن دسته ی معینی از ارزش ها را ارزش گذاری گویند. رفتاری که در این طبقه از حیطه ی عاطفی قرار میگیرد از ثبات و پایداری کافی برخوردار است به طوری که به صورت خصلت ناشی از یک عقیده یا یک نگرش در می آید. دانش آموز یا دانشجو در موفقیت های مناسب، این رفتار را با ثبات کافی و به گونه ای که گویای پیروی از یک ارزش است از خود نشان می دهد. این طبقه دارای سطوح فرعی مختلفی است . در پایین ترین و نخستین سطح ، فرد یک ارزش رامی پذیرد .

در دومین سطح فرد نه تنها ارزش را می پذیرد بلکه نسبت به آن ارزش به اندازه ی کافی متعهد است بطوری که آن رامی جوید و می خواهد. در سومین سطح فرد نسبت به ارزشی که پذیرفته است احساس تعهد می کند و رفتار او با ثبات عاطفی همراه می شود. بطور کلی آن دسته از هدفها که تحت عنوان نگرش وارج نهادن گروه بندی می شود در این طبقه قرار می گیرند " نمونه هدف های تربیتی در حیطه عاطفی "

-علاقه مندی کمک به دیگران

-پذیرش نقش مناسب در زندگی فردی و خانوادگی

۴- سازمان بندی یا " سازمان دهی ارزشها "

سازمان دهی ارزش ها عبارت است از ادغام ارزشهای مختلف ، رفع تمارضات بین آنها و بنا نهادن یک نظام ارزشی پایدار و منسجم، در این سطح از حیطه عاطفی شخص پس از اینکه ارزشها را درون خود پذیرفت با ارزشهای دیگر خود تطبیق می دهد و ارزشهایی که بیشتر مورد قبول است بر دیگر ارزشها برتری پیدا میکند به هر صورت آن دسته از هدف های آموزشی که به تشکیل یک فلسفه زندگی منجر می شوند در این طبقه جای دارند.

به چند نمونه از هدف های تربیتی در این سطح اشاره میشود:

-دخالت دادن معیارهای اخلاقی و نظرات شخصی در انتخاب مطلب برای مطالعه -پذیرش واقع بینانه و سازگاری عاطفی با محدودیت هایی که ناشی از استعدادها، توانایی ها، علاقه ها و وضعیت جسمانی فرد است

۵- تبلور ارزش های سازمان یافته در شخصیت

در این سطح از حیطه ی عاطفی شاگرد دارای نظامی از ارزش ها می شود که رفتار او را برای مدتی طولانی کنترل می کند، این نوعی شخصیت در وجود او پدید دار گردد به عبارت دیگر در این مرحله ارزش یا مجموعه ای از ارزش ها در رفتار فرد انعکاس دایم پیدا می کند و در شخصیتش متبلور میشود و جز و فلسفه ی زندگی او میگردد. شخصی که این سطح از حیطه ی عاطفی رسیده باشد دارای دو صفت مشخص است.

الف- ویژگی های شخصی منحصر به او ب- فلسفه ی زندگی یا جهان بینی او.

نکته ی قابل توجه در این سطح رابطه ی میان مراحل شناختی و عاطفی است که به روشنی دیده می شود یعنی کسی که می داند کیست و به کجا می رود کاملاً از راه شناخت به این جا رسیده است از این رو بدون گذشتن از مراحل شناختی مراحل عاطفی به صورت مطوب امکان پذیر نیست.

نمونه ی هدفهای تربیتی در این طبقه

- اعتقاد به شناخت حقایق و نتایجی که به طور منطقی استخراج می شوند.
- اعتقاد فزاینده به روش علمی درباره ی یافتن پاسخ سوالاتی که در باره ی جهان فیزیکی و جامعه مطرح است.
- قضاوت صحیح در مورد مسایل و دوری جستن از تفکرات جزیی و بر خوردهای احساسی با آنها.

نمودار طبقات اصلی در حیطه ی عاطفی



حیطه روانی - حرکتی

گروه سوم از هدفای آموزشی اختصاص دارد به مهارتهای روانی - حرکتی ، این مهارتها به گونه ای هستند که انجام آن ها نیازمند به همکاری اعصاب و ماهیچه ها است مانند خیاطی ، رانندگی ، جراحی و غیره ، این حیطه بیشتر شامل مهارتهای عملی در زمینه های فنی و حرفه ای ، تربیت بدنی ، هنر ، کارآزمایشگاهی و امثال آنها است . یادگیری ها و هدفهای آموزشی درحیطه روانی- حرکتی آمیخته با یادگیری در حیطه شناختی و عاطفی بوده و نمی توان از آن جدا کرد زیرا در انجام یک فعالیت عملی مستلزم درک ، شناخت وعلاقه ی بهتر از مفهومی و شرایط است .

" دوه " برای انجام مهارتهای حرکتی سه نوع آمادگی را ضروری می داند .

۱-آمادگی شناختی ۲-آمادگی عاطفی ۳-آمادگی جسمی

" دوه " هدفهای تربیتی در حیطه روانی - حرکتی را در پنج سطح طبقه بندی کرده است .

۱-تقلید-تقلید پایین ترین سطح مهارتهای حرکتی است. در این سطح فرد بدون کمک و راهنمایی دیگران نمی تواند کاری را که جنبه ی حرکتی دارد درست انجام دهد. دانش آموزی که نمی تواند کلمات و جملات را روی خط بنویسد یا کودکی که بدون کمک دیگران نمی تواند بند کفش خود را ببندد در این سطح از مهارت قرار دارد

۲-اجرای مستقل- در این سطح یادگیری مهارت اندکی از مرحله ی قبلی بالاتر است بطوری که فرد میتواند به طور مستقل و بدون کمک گرفتن ازدیگران عملی را انجام دهد. به عنوان مثال ، دانش آموزی که پس از مرحله تقلید

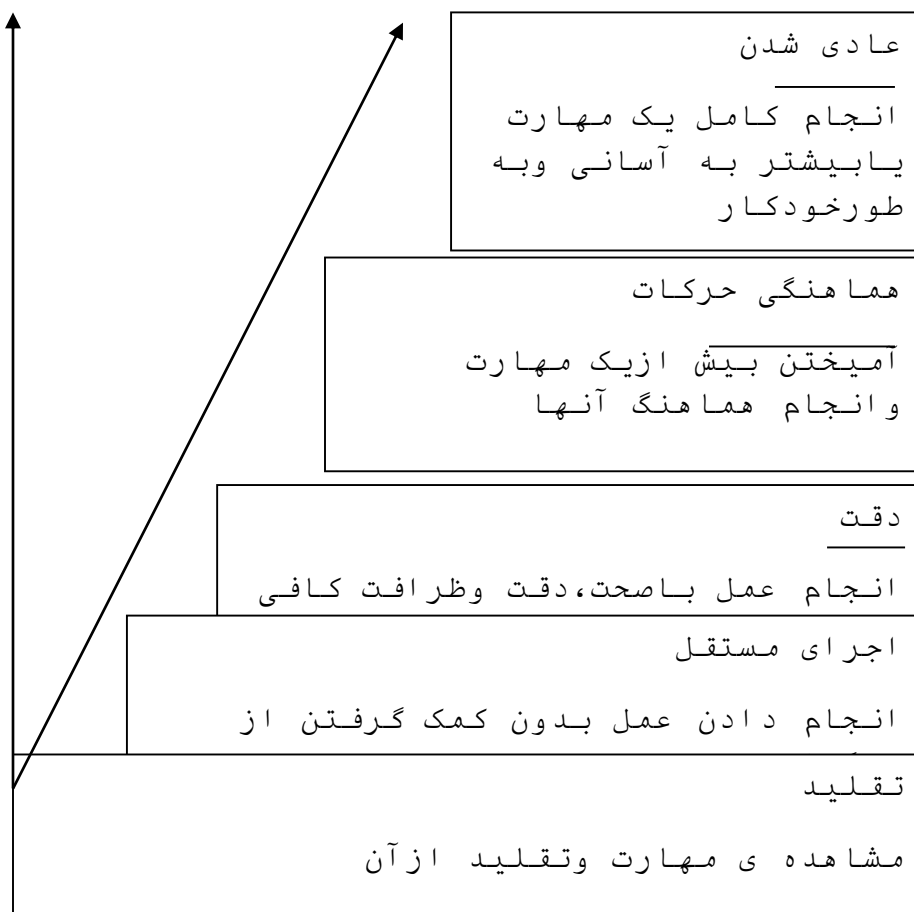
بتواند بطور مستقل انواع گره هایی را که آموخته است بزند به سطح استقلال در انجام مهارت حرکتی رسیده است .

۳-دقت -انجام مهارت حرکتی هنگامی به این سطح می رسد که فرد بتواند کاری را به درستی و با دقت، سرعت و ظرافت کافی انجام دهدو تکرارنماید. مانندبافتن گل های قالی، بافتن لباس با کاموا، دقت درجا انداختن فنر ساعت هنگام تعمیر ساعت، کاربرد مواد شیمیایی با رعایت ایمنی ، سرخوردن روی یخ و غیره

۴- هماهنگی حرکات- هنگامی که فرد به این سطح از مهارت می رسد می تواند چند فعالیت را بطور هم زمان و هماهنگ انجام دهد به عنوان مثال خیاط ماهری که برای دوختن لباس ازچرخ خیاطی پایی استفاده میکند ، دست ها وپاها وچشمان اوهماهنگ با یکدیگر عمل می کنند ،تسلط در شنا کردن ، مهارت در رانندگی با اتومبیل ونظایران در این سطح از حیطه روانی - حرکتی قرار می گیرند.

۵-عادی شدن -این سطح بالاترین مرحله یادگیری وکسب مهارت در حیطه روانی -حرکتی است که طی آن انسان به طورخودکاربه انجام دادن کارهای دقیق وموزون عادت می کند. در این سطح،دیگر شخص برای انجام یک عمل به فکرکردن نیاز نداردو اغلب فعالیت های او بدون شک وتردید به طورناخودآگاه صورت می گیرد.

روندافزایش دشواری طبقات در حیطه روانی -حرکتی دوه



ارتباط حیطه های سه گانه

مجزاساختن هدفهای تربیتی وقراردادن آنها در سه حیطه "شناختی ، عاطفی و روانی ، حرکتی " جنبه قراردادی دارد و به منظور سهولت عمل در شناخت و کار برد آنها است زیرا در اغلب موارد هر سه حیطه در ارتباط با یکدیگر عمل میکنند و نمی توان هیچ کدام رااز دیگری جدا دانست مثال، وقتی نامه می نویسیم قواعد املایی وانشایی را میدانیم "حیطه ی شناختی "باحالتی دوستانه سعی می کنیم احساسات خود رابا بهترین عبارت ها بیان کنیم "حیطه عاطفی " دست و چشم ما هم با هماهنگی یکریرگکلمه ها وجمله هارابه وسیله ی قلم بر روی کاغذ ترسیم می کند "حیطه حرکتی "

نتایج یادگیری

ازهرآموزشی که به دانش آموزان و یا سایرافرادداده میشود انتظار میرودکه درپایان،نتجه یا نتایجی عایدآنها گردد. تغییراتی که پس ازهرآموزشی درشناخت عواطف ومهارت های حرکتی دانش آموزایجاد می شود " نتایج یادگیری"نام دارند معلمان پس ازآموزش یک مطلب یا انجام فعالیت های تربیتی انتظار دارند که دانش آموزان در پایان ،دررابطه با حیطه ی شناختی مطالبی رابدانند ،بفهمند ، به کاربرند، تجزیه وتحلیل کنند ترکیب نمایند ویا ارزشیابی کنند دررابطه با حیطه ی عاطفی نسبت به مسایل، پدیده هاو رویدادها توجه داشته باشند ،واکنش نشان دهند، ارزش گذاری کنند ،سازمان بندی نمایند وارزشها در شخصیت آنها تبلور یابد ،ودر ارتباط با حیطه ی روانی - حرکتی مهارتهایی درسطح های ،تقلید ، اجرای مستقل ،دقت، هماهنگی حرکات و عادی شدن کسب نمایند.

راه بردها وروش های آموزش

راه بردها می توانند یادگیری رابهبود بخشند وآن را سریع ترکنند.معلمان باید اهمیت آگاهی دانش آلمان از راه بردهای متنوع وکار برد آنها را باز شناسند تدریس راه بردها می تواند مستقیم یا غیر مستقیم انجام شود مثلا معلمان می توانند در خواندن به دانش آموزشیوه برجسته کردن نقاط مهم یک متن و شیوه ی خلاصه کردن آنها را بطورآشکارنشان دهد.دردرس علوم می توانند به دانش آموزان شیوه ی اجرای آزمایش ها نشان دهند: چگونه فرضیه بسارند، یافته هانشان را ثبت کنند وچگونه آنها را ارزشیابی نمایند فنون تدریس ،راه بردها وروش هایی هستندکه معلمان از آنها در انجام فعالیت های یاددهی یادگیری استفاده میکنند مثلا معلم می تواند ازروش سخنرانی برای ارائه ی درس جدید واز پرسش و پاسخ به منظور جمع آوری بازخورد بهره بگیرد، به طور کلی راه

انجام دادن هر کاری را روش گویند. روش تدریس نیز مجموعه ای از تلاش، وسایل و فنون و راه منظم و با قاعده و منطقی است که رسیدن به هدف را آسان می سازد.

تدریس - تدریس عبارت است از تعامل یا رفتار متقابل معلم و شاگرد بر اساس طراحی منظم و هدف دار معلم، برای ایجاد تغییر در رفتار شاگرد، برای تدریس دو ویژگی لازم داشته اند یکی وجود رابطه ی متقابل بین معلم و شاگرد. دومی، هدف دار بودن فعالیت های معلم، در این مبحث با توجه به این که شما معلمان از چگونگی فنون و روش های تدریس آگاهی دارید به چند نمونه به شرح زیر مختصراً اشاره ای میشود

۱- روش توضیحی- این روش عبارت است از انتقال مستقیم اطلاعات به دانش آموزان با استفاده از کتاب یا جزوه و یا به وسیله ی سخنرانی، در این روش معلم مطالب درسی کتاب، جزوه و غیره برای دانش آموزان توضیح می دهد. از خوبی های این روش این است که میتوان مجموعه ی کاملی از اصول و مفاهیم را به دانش آموز تدریس کرد، عیب این روش این است که دانش آموز مطالب را حاضر و آماده دریافت میکند و در کشف حقایق فعال نیست.

۲- روش اکتشافی - در روش اکتشافی دانش آموز باید مساله ای مشخص کند و راه حل هایی را برای آن در نظر گیرد. این راه حل هارا با توجه به شواهد آزمایش کند و با توجه به این آزمایش نتیجه گیری های مناسبی را بدست آورد و آن را در موقعیت های جدید به کار گیرد و سرانجام به قوانین کلی و تصمیم برسد. در این روش اصول مساله را یا موضوع را به شاگردان شرح میدهد اما در باره ی راه حل آن چیزی نمیگوید ولی آنان را تشویق میکند که در باره بیافتن علت فکر نمایند و نتیجه را کشف کنند. از محاسن روش اکتشافی این است که توانایی ذهنی دانش آموز را بالایی برد و انگیزه ی درونی اش را افزایش میدهد و او را اخلاق و کاوشگر بار می آورد، آموخته هایش را دوام می بخشد و او را خودجوش و علاقه مند بار می آورد

۳- روش حل مساله- مساله فرایندی است که از آن برای کشف صحیح راه هایی که به یک هدف یا یک راه حل منتهی می شود به کار می رود. در موقعیتی که انسان با مساله ای برخورد می کند باید بتواند بر مانع هایی که بر سر راه رسیدن به هدف وجود دارد غلبه کند در این روش از دانش و تجربه و مهارت گذشته برای حل مساله به عنوان پیش نیاز استفاده می شود

راه های حل مساله

برای حل مساله راه های مختلفی وجود دارد که مهم ترین آنها به شرح زیر است.

۱- حل مساله از طریق آزمایش و خطا - چنانچه با مساله ای روبه رو شویم که برای حل آن قاعده و اصول از پیش شناخته شده ای در اختیار نداشته باشیم از طریق آزمایش و خطا آن را حل می کنیم.

۲- حل مساله از طریق بینش شناخت: هنگامی که عناصر و روابط مربوط به یک مساله برای انسان شناخته شده باشد می توان آن را از طریق بینش و شناخت حل کرد. در این روش وقتی یادگیرنده روابط و اصولی را که در یک مساله وجود دارد بشناسد مساله مستقیماً حل می شود.

۳- حل مساله با روش تحلیلی: این روش آمیزه ای از روش آزمایش و خطا و بینش و تفکر منطقی است بسیاری از مسایل هندسی و علوم اجتماعی از طریق روش تحلیلی مورد بررسی قرار می گیرند و حل می شوند .

۴- حل مساله با روش دیویی: جان دیویی فرایند حل مساله را با پیدا کردن عواملی که موجب مساله شده اند آغاز می کند. این روش دارای پنج مرحله به شرح زیر است .

۱- مشخص کردن مساله " گودال "

۲- حدس زدن یا مشخص کردن علل مساله " عمق گودال ، پهنای آن لغزنده بودن دیوارها

۳- در نظر گرفتن راه حل های ممکن

۴- انتخاب بهترین راه حل ها

۵- اجرای راه حل انتخابی و نتیجه گیری

روش مباحثه و انواع آن - روش مباحثه یکی از کهن ترین روش هایی است که در طول تاریخ تعلیم و تربیت بکار رفته است که مهم ترین آنها روش سقراطی است. روش های دیگری که به عنوان زیر مجموعه ی روش مباحثه دارای کاربرد نظری و عملی است عبارتند از:

۱- بحث کنترل شده توسط معلم ، در این شیوه ابتدا معلم دانش آموزان را با طرح مساله یا سوال آماده ی دریافت سوال می کند بنابراین یکی از دانش آموزان موضوع را با اجازه ی معلم مطرح می سازد. معلم در رابطه با آن موضوع پاسخ می دهد گفتگوی آن دو تاجایی که معلم لازم بداند ادامه پیدامی کند، سپس دانش آموز دیگری وارد بحث می شود. این بار معلم بحث را با وی دنبال میکند این گفتگوی دوجانبه بین معلم و شاگرد ادامه می یابد. در این روش معلم ضمن اینکه بحث را هدایت میکند کنترل کامل آن را نیز به عهده دارد، و شاگردان مجاز نیستند بدون اجازه ی وی وارد بحث شوند.

حسن این روش

یکی از محاسن این روش این است که اختیار بحث از معلم سلب نمی شود، بر کلاس احاطه دارد و می تواند بحث را بسوی هدف مورد نظر هدایت کند.. عیب این روش این است که معلم مداراست با این ترتیب این شیوه برای درس های علوم تجربی و ریاضی کاربرد چندانی ندارد.

روش بحث گروهی

بحث گروهی گفتگویی است سنجیده و منظم پیرامون موضوعی که مورد علاقه ی مشترک افراد شرکت کننده می باشد. تعداد افرادی که در بحث گروهی شرکت می کنند معمولاً بین شش تا بیست نفر می تواند باشد و یک نفر هم

به نام مدیر یا رهبر گروه را اداره میکند. در این روش معمولاً معلم موضوع یا مسأله‌ی خاصی را معین میکند و شاگردان درباره آن به مطالعه، اندیشه با بحث و اظهار نظر می پردازند و نتیجه میگیرند، بنابراین برخلاف روش سخنرانی در این روش شاگردان در فعالیتهای آموزشی فعالانه شرکت می کنند و مسئولیت یادگیری را به عهده می گیرند و فرصت می یابند تا نظرات، عقاید و تجربیات خود را با دیگران در میان بگذارند و اندیشه های خود را با دلایل مستند بیان کند.

روش بحث گروهی در زمینه ی چه موضوعاتی به کار می رود؟

بحث گروهی در زمینه ی موضوعاتی به کار می رود که خصوصیات زیر را داشته باشد:

۱- موضوع، مورد علاقه ی شرکت کنندگان در بحث باشد.

۲- موضوع مورد بحث در زمینه ای باشد که شرکت کنندگان در باره آن اطلاعاتی داشته باشند. در این صورت بحث گروهی برای آنان معنا و مفهومی خواهد داشت .

۳- موضوع بحث برای شاگردان قابل درک و فهم باشد.

در چه مواردی از شیوه بحث گروهی استفاده میکنیم ؟

۱- هنگامی که بخواهیم افرادی را نسبت به مسایل مربوط و مشترک آگاه و علاقه مند سازیم.

۲- برای شناخت مسایل و پیدا کردن راه حل برای آنها

۳- هنگامی که بخواهیم شاگردان بتوانند در حضور جمع اظهار نظر کنند

۴- برای تصمیم گیری در زمینه ی انجام یک کار.

۱- اجرای مطلوب روش بحث گروهی تا اندازه ی زیادی به توان مندی، قدرت بردباری، توانایی نظم بخشیدن و سازمان دهی معلمان با تجربه دارد که بتوانند بدون از دست دادن خط سیر کلی مباحثه، به نکات اصلی درس توجه کافی داشته باشند و نگذارند بحث از مسیر خود خارج شود.

چه کسانی در بحث گروهی شرکت میکنند

اعضای یک بحث گروهی را معمولاً افراد زیر تشکیل می دهند

۱- اداره کننده یا رهبر گروه که معمولاً معلم یا یکی از دانش آموزان موفق و با سواد کلاس است.

۲- معاون گروه که در کناره رهبر گروه در نگه داشتن نوبت افراد، نوشتن سوال ها روی تخته، بکار بردن وسایل مانند نقشه چارت و غیره به رهبر گروه کمک می کند

۳-دانش آموزان که شرکت کنندگان اصلی بحث گروهی، هستند

۴-منشی-که نتایج مهم بحث را یادداشت می نماید

محاسن روش بحث گروهی

۱-افرادمی تواند در تجربه ها و عقیده های یکدیگر سهیم شوند۲-همکاری گروهی و احساس دوستی و همیاری و همدلی در بین اعضای گروه تقویت می شود۳-شاگرد فرصتی پیدا می کنند تا به توان خود را مورد ارزیابی قرار دهند و روحیه ی خود باوری در آنان تقویت شود۴-افراد کم رو و خجالتی بهتر می توانند در حضور جمع صحبت کنند.

محدودیت های این روش

این روش برای افراد کم یعنی حدود شش تا بیست نفر قابل استفاده است .
برای دوره ابتدایی کارایی چندانی ندارد اما از دوره راهنمایی به بعد کاربرد دارد.
بحث گروهی در تمام موضوع ها و درس ها نمی توان به کار برد. ولی در درس هایی که زمینه اجتماعی دارد و افراد در آنها علاقه ی مشترک دارند به کار می رود .

الف- وظیفه رهبر گروه . رهبر گروه باید پیش از انجام بحث گروهی کارهای زیر را انجام دهد.

۱-موضوع مورد بحث را کاملاً مطالعه نموده و نکات اصلی آن یاد داشت نماید.

۲سوال هایی را که برای شروع و ادامه ی بحث باید مطرح تهیه نماید.

۳-تدارکات لازم برای ادامه ی بحث گروهی فراهم نماید.

۴-از دانش آموزان بخواهد در باره ی موضوع مورد بحث مطالعه نمایند و با آمادگی کامل در بحث شرکت نمایند .

۵-در ابتدای کار معلم که همان رهبر گروه است هدف از بحث و طرز کار گروه را شرح دهد و مراقب باشد که بحث از موضوع خارج نشود.

۶-در هنگام بحث افراد گروه به صورت نیم دایره ای کنار هم می نشینند و ناظر گروه در خارج از نیم دایره هیچ دخالتی در جریان بحث ندارد اما وقتی تشخیص داد بحث از موضوع خارج می شود موظف است مباحثه را به مسیر اصلی بازگرداند.

روش پرسش و پاسخ

پرسش و پاسخ شیوه ای است که معلم به وسیله ی آن دانش آموز را به بیان مطلب مورد نظر هدایت میکند، در این روش معلم ، با طرح سوال های مناسب شاگردان را به اندیشیدن دعوت میکند و سپس آنان را به پاسخ دادن وامی دارد، این شیوه برای مطالبی که دانش آموزان قبلاً آموخته اند و نیاز ارزشیابی میزان یادگیری آنان بسیار موثر است . در کلاس های پرجمعیت معلم باید همه ی شاگردان را در جریان فعالیتهای آموزشی قرار دهد تا به صورت فعال به اندیشه و پرسش و پاسخ بپردازند و به شاگردان فرصت فکر کردن در باره ی پاسخ سوال بدهد.

روش پرسش و پاسخ به سه اصل متکی است .

۱-وجود سوال یا مسأله که کنجکاوی شاگردان را برانگیزد و آنان را به تلاش ذهنی وا دارد.

۲-طرح سوال های متوالی برای تداوم فعالیت های ذهنی

۳-هدایت تلاش ذهن جهت کشف آگاهانه مسأله

هدف از پرسش و پاسخ

مهم ترین هدف پرسش و پاسخ تقویت قدرت استدلال ، سنجش و قضاوت ، استفاده از تجربه ها و دانسته های پیشین ، پرورش اندیشه و ایجاد اعتماد به نفس در شاگردان ، البته این روش با همه ی حسنی که دارد، برای کلاس های پر جمعیت مناسب نیست و زیاد هم وقت گیر است.

فرصت سوال چیست ؟ در جریان فعالیت های مختلف آموزشی، ممکن است برای دانش آموزان سوال هایی مطرح شود که لازم باشد پاسخ آنها را دریافت دارند در چنین مواردی باید زمان معینی مثلاً پنج دقیقه برای پاسخ گویی به سوال های دانش آموزان در نظر گرفته شود که به آن فن فرصت سوال گویند .

روش آزمایش

آزمایش فعالیتی است که در جریان آن فراگیران با بکار بردن وسایل و مواد بخصوصی در باره ی مفهومی خاص عملاً تجربه کسب می کنند . اساس این روش آزمایش بر اصول یادگیری اکتشافی استوار است به این معنا که در این روش مستقیماً چیزی یاد داده نمی شود بلکه، موفقیت و شرایط فراهم می گردد تا شاگردان، خود از طریق آزمایش به پژوهش بپردازند و جواب مسأله را کشف کنند. این روش برای موضوعات علوم تجربی شیوه ی بسیاری مناسبی است که می تواند کیفیت یادگیری را افزایش دهد. نقش معلم در این روش، هدایت شاگردان و نظارت بر کار آن ها است.

روش نمایشی

روش نمایشی براساس مشاهده و دیدن استوار است. با استفاده از این روش، میتوانیم مهارتی را به تعداد زیادی از افراد و در طی زمانی کوتاه ارائه نماییم. مهم ترین حسن این روش آموزش به کمک اشیاء واقعی و حقیقی است. این روش از چهار مرحله به شرح زیر تشکیل شده است.

۱- مرحله ی آمادگی: در این مرحله معلم باید وسایل کار را پیش از نمایش در کلاس آماده نماید.

۲- مرحله ی توضیح: معلم باید پیش از نمایش هدف از آن را بیان کند و سپس آنچه را که فراگیران باید انجام دهند توضیح دهد.

۳- مرحله ی نمایش دادن - در این مرحله، معلم، عملیات ضروری جهت انجام مهارت به فراگیران نشان می دهد.

۴- در این مرحله که مرحله ی آزمایش و سنجش است کار به وسیله ی دانش آموزان انجام می شود.

هرگاه موضوع درس چیزی یا پدیده ای باشد که دست رسی به آن مشکل یا غیر ممکن باشد از نمونه ی آن استفاده میکنیم.

همچنین وقتی شیئی بسیار کوچک باشد مثل اتم یا بسیار بزرگ مثل کره زمین از مدل آن استفاده می کنیم .

روش همیاری

یکی از روش های آموزش یادگیری، همیاری در یادگیری است. پژوهش گران حوزه ی تدریس، میگویند یادگیری یک فرایند اجتماعی است یکی از نظرات مهم یادگیری از طریق هم یاری، نظریه سینز گوژی است، او برای آموزش دروس مختلف و موقعیت های متفاوت چهار روش ارائه می دهد که به دو روش طرح کارایی گروه و طرح تدریس اعضای گروه اشاره ای می شود.

الف) طرح کارایی گروه. در طرح کارایی گروه، دو فرضیه شکل می گیرد.

۱- دو فکر یا بیشتر بهتر از یک فکراست، هر شخصی می تواند آنچه را که می داند برای دیگران توضیح دهد. همه می توانند از یکدیگر فرا گیرند.

۲- دانش آموزان، شرکت فعال در یادگیری مشارکتی را بسیار انگیزاننده می یابند.

جهت اجرای این طرح، معلم پیش از شروع کلاس، ابزار یادگیری، یعنی تکالیف پیش از کار و یک آزمون تلفیقی از انواع سوال ها که محتوای درس مورد نظرا در بر دارد آماده می کند. کلید آزمون را نیز جداگانه در برگه ای می نویسد، در کلاس، دانش آموزان را به گروه هایی با اعضای ناهمگن "تندآموز، کندآموز و متوسط" تقسیم می کند اگر کلاسی سی نفر دانش آموز داشته باشد به شش گروه پنج نفره گروه بندی می کند. هریک از اعضای گروه دانش خود را پیش از بحث گروهی ارزیابی می کند و تکلیف مشخص شده را بطور انفرادی میخواند، بعد از مرور اولیه، به سوال های آزمون از موضوعی که قرار است آموخته شود پاسخ می دهد، اگر پاسخ به سوال ها به تشخیص معلم به اطلاعاتی نیاز داشت دانش آموز می تواند به متن مراجعه یا از منابع در دسترس استفاده کند

. اعضای گروه در باره ی هر یک از پاسخ ها با یکدیگر بحث می کنند تا به توافق برسند. اعضا در ضمن گفتگو، گزینه ها و دلایل خویش را ارائه می دهند، اولین کار در گروه، یادگیری این نکته است که اعضای گروه به یک مجموعه از پاسخ های مورد توافق در باره ی سوال های همان آزمون برسند. آنها این فرصت را پیدا می کنند تا اطلاعات و دانش های خود را با یکدیگر رد و بدل کنند، دلایل خود را توضیح دهند و گفته های دیگر اعضا را ارزیابی کنند. در این مرحله کلید سوال ها در اختیار دانش آموزان قرار می گیرد و اعضای گروه درک عمیقی از بهترین پاسخ به دست می آورند. و چون قبلا چگونگی نمره گذاری به دانش آموزان گفته شده است و طرز محاسبه اش یاد گرفته اند. از اینرو اعضای گروه پاسخ های فردی و گروهی را نمره گذاری نموده، نمره ی موثر یادی محاسبه می کنند در پایان برای جمع بندی مطالب آموخته شده و همچنین ارزشیابی تکوینی از فراگیران پرسش می شود .

ب- طرح تدریس اعضای گروه - این شیوه بر دو اصل متکی است .

اصل اول ، آن که، هریک از شرکت کنندگان، قسمت های متفاوتی از موضوع های درسی را که قرار است تدریس شود میخواند.

اصل دوم براین مبنا است که هرفراگیرنده می تواند به اعضای گروهش درس بدهد، بنابراین هر عضو، هم به عنوان معلم وهم به عنوان شاگرد عمل می کند، وقتی دانش آموزان می فهمند که کارایی گروه مستلزم آن است که هر فرد یک بخش از موضوع را یاد بگیرد و سپس آن را به دیگران درس دهد برانگیخته می شوند که با مطالعه بخش تعیین شده و آمادگی کامل به گروه خود کمک کنند با این روش گروه می تواند یادگیری خود را به حداکثر برساند.

طرح تدریس اعضای گروه این امکان را می دهد که مقدار زیادی از موضوع درس ، طی یک دوره ی کوتاه زمانی با مطالعه ی گروه تحت پوشش قرارگیرد در انتخاب متن مورد تدریس باید طوری عمل شود که متن، به بخش های مستقل از یکدیگر قابل تقسیم باشد بخش ها نیز از نظر طول و دشواری برابر باشند.

جهت آمادگی برای اجرای طرح، معلم پیش از شروع کلاس، ایزاریادگیری از جمله تقسیم متن به تعداد افراد گروه، آزمون وکلید آزمون را آماده می کند و گروه ها را تشکیل می دهد و ترکیب هر یک از گروه ها نیز مشخص می کند.

مراحل اجرا

۱- برای هر دانش آموز یک بخش از موضوع تعیین شده است و او فقط تکلیف مربوط به خود را مطالعه می کند.

۲- دانش آموزان با قسمت های خود که مسؤل بخش مشترکی هستند دور، هم جمع می شوند و برای رفع اشکال های خود را و بهبود در روش، تبادل نظری کنند.

۳- وقتی اعضای گروه، گردهم می آیند دانش آموزان به ترتیب از اول، بخش های مربوط به خود را تدریس می کنند؛ اعضای دیگر گروه می توانند سؤال بپرسند، و یادداشت بردارند.

۴- از کل موضوع آزمون گرفته می شود.

۵- کلیدسؤال در اختیار دانش آموز قرار می گیرد و آنان نمره های فردی و گروهی را محاسبه می کنند.

۶- کارایی تدریس دانش آموز با توجه به جدولی که به آنها ارائه می شود ارزشیابی می شود.

۷- ازدانش آموزان جهت جمع بندی مطالب و اطمینان از یادگیری و ارزشیابی تکوینی سؤال می شود. اگر نکته ی مهمی فراموش شده معلم توضیح می دهد. با توجه به آنچه گفته شد روش تدریس همیاری فرصت لازم برای تلاش و کوشش اساسی به منظور رسیدن به هدفهای گوناگون آموزشی فراهم می آورد. با این همه عمده ترین هدف این روش تدریس، کوشش برای دستیابی به فعالیتهای عالی ذهنی است، این شیوه برای آموزش درس های گوناگون و موضوعات درسی متفاوت مناسب است هم چنین شاگردان با این روش موفق تر عمل می کنند و به نتیجه ی مطلوب تری می رسند.

آموزش خواندن و روش های ویژه ی آن

خواندن عملی است که با اندیشیدن سروکار دارد و موجبات رشد و پرورش شخصیت کودک را فراهم می کند چون اساسی ترین هدف خواندن همانا فهمیدن است لذا در آموزش خواندن باید دانش آموز بداند که خواندن یک مقاله با کتاب علمی، خواندن روزنامه یا داستان، خواندن برای یادداشت برداری و تهیه ی گزارش با خواندن و ورق زدن برای یافتن مطالبی باهم متفاوت است؛ و هر یک شیوه ی خاص خود را دارد که باید آموخت.

انواع روش های خواندن در دبستان

در دبستان از کلاس اول تا پنجم از دو روش بلند خوانی و صامت خوانی استفاده می شود. بلند خوانی در شروع آموزش خواندن روشی مؤثر تر است زیرا در آن از دو فرایند ادراکی یعنی تمیز دیداری و شنیداری استفاده می شود.

روش هایی که بر بلند خوانی مبتنی است

۱- خواندن خطابی: در این نوع خواندن معمولاً معلم یا یک دانش آموز خطاب به دیگران متنی می خواند و شاگردان، ضمن گوش دادن، به متن کتاب هم نگاه می کنند. معمولاً از کلاس اول تا سوم برای ارائه ی درس جدید از این نوع خواندن استفاده می شود.

۲- هم خوانی: در این نوع خواندن، معلم یا دانش آموز، متنی را می خواند و دانش آموز دیگر با صدای بلند آن را تکرار می کنند. این نوع خواندن بیشتر در کلاس اول کاربرد دارد.

۳- مستقل خوانی "آزاد" در این شیوه به جای این که درس به وسیله ی آموزگار خوانده شود به وسیله ی دانش آموز خوانده می شود و مطالب مشکل معنی می گردد.

صامت خوانی

منظور از صامت خوانی این است که شاگردان درس را آهسته، پیش خود و به اصطلاح تودل شان بخوانند و هنگام خواندن لب های خود را حرکت ندهند. روش های که بز صامت خوانی مبتنی است عبارتند از:

۱-دقیق خوانی

۲-خواندن تجسمی، که دانش آموز را به درک عمیقی کتاب می رساند و حس کجکاو و اورتحریر می کند.

۳-خواندن انتقادی که به تجزیه و تحلیل و ارزش گذاری مطالب خوانده شده مربوط می شود.

۴-خواندن التذادی: این نوع خواندن روش مؤثری است برای درک زیبایی های یک اثر و نیز پرورش ذوق ادبی و حس زیبایی شناسی در کودکان در این نوع خواندن دانش آموز بیشتر به دنبال یافتن زیبایی های موجود در نثر و شعری می باشد مانند یافتن تشبیهات، ضرب المثل ها، وزن و قافیه و موسیقی موجود در شعر و...

طراحی آموزش و تدریس (طراحی - یاددهی - یادگیری)

هر طراحی آموزشی دارای مهارت های آموزشی پیش از تدریس - ضمن تدریس و پس از تدریس است .

در مهارت های آموزشی پیش از تدریس ، پس از تعیین هدف کلی ، به وسیله ی تحلیل آموزشی آن رابه هدف های جزئی تجزیه می کنیم و هدف های جزئی "مرحله ای " به هدف های رفتاری "نهایی " تبدیل می نمایم در این مرحله معلم از خود می پرسد چگونه می توانم مطمئن شوم که شاگردانم مهارت های لازم را برای ورود به مطلب جدید دارند؟ چگونه می توانم معلوم کنم که شاگردانم قسمتی از مطالبی را که می خواهم تدریس کنم از پیش می دانند " رفتار ورودی "

مهارت های ضمن تدریس : در این مرحله برای آگاهی از معلومات پیش دانسته های شاگردان از ارزشیابی تشخیص استفاده می کند و با اجرای آن نقطه ی شروع درس جدید را مشخص می نماید. روش یا روش های تدریس مناسب را انتخاب می نماید و معین می کند از چه مواد و وسایل آموزشی برای کیفیت بخشیدن به درس استفاده کند .

آنگاه به مهم ترین مهارت ضمن تدریس یعنی بر فراری ارتباط می پردازد . ارتباط در امر تدریس عملی دو سویه است که بین پیام دهنده " معلم " و پیام گیرنده " شاگرد " به منظور ارسال و دریافت پیام برقرار می شود .

تمرکز بخشی و جلب توجه دانش آموزان برای دریافت پیام مهارت دیگر ضمن تدریس است .

آماده سازی نیز یکی دیگر از مهارت های ضمن تدریس می باشد که به وسیله ی آن معلم سعی می کند بتواند ارتباط معنی دار بین تجربیات قبلی و انتظارات و نیازهای شاگردان با هدف های آموزشی کلاس برقرار کند پس از انجام این مهارت ها است که درس جدید ارائه می شود و پس از پایان آن به مهارت جمع بندی می رسیم .

جمع بندی عبارت است از اعمال و یا گفتار معلم که به وسیله ی او طراحی می شوند تا ارائه ی مطلب درسی به نتیجه و پایانی مناسب برساند . آخرین مهارت ضمن تدریس برقراری انضباط در کلاس درس است.

مهارت های پس از تدریس . این مهارت ها شامل فعالیت های تکمیلی و ارزشیابی پایانی است .

فعالیت های تکمیلی شامل این قسمت ها است - خلاصه کردن درس - آماده کردن دانش آموزان برای درس جلسه ی بعد -

مرور کردن درس - دادن تمرین برای کسب مهارتهایی که به تمرین نیاز دارد.

روش تهیه ی طرح درس

الگوهای مختلفی برای طرح درس وجود دارد که ممکن است به صورت ظاهر با هم متفاوت باشند ولی در تمام طرح درس ها اصول و کلیات شبیه یکدیگر است. به طور کلی برای تهیه ی یک طرح درس روزانه باید نکات زیر را به ترتیب دنبال کنیم

۱-نوشتن نام درس -موضوع درس -کلاس و مقطع تحصیلی - تعداد دانش آموزان تاریخ -مدت جلسه-شماره طرح درس-نام معلم .

۲- هدف درس، طرح درس باید هدف های کلی درس و هدف های رفتاری موضوعی که دانشجویا معلم قصد تدریس آن را داردمشخص شود .

۳-وسایل و مواد آموزشی " رسانه های آموزشی " که باید با توجه به موضوع هدف درس وسایل آموزشی مورد نیاز از پیش تهیه شود .

۴-کارهای قبل از شروع درس، یعنی حضور و غیاب دانش آموزان، گرفتن تکلیف وتمرین آنان

۵-ارزشیابی تشخیصی ،با انجام این آزمون معلم از معلومات قبلی دانش آموزان که پیش نیاز شروع درس جدید است آگاهی حاصل می کند .نوع ارزشیابی بستگی به نوع درس وهدف های درسی داردوازشوال شفاهی تاآزمون کتبی در تغییر است .

۶-آماده سازی دانش آموزان برای یادگیری درس جدید - پیش از شروع درس جدید، معلم باید دانش آموزان را برای توجه و یادگرفتن درس آماده سازد ودر آنان انگیزه و شوق یادگیری ایجاد کند در این مرحله معلم،

الف - دانش آموزان را برای فعالیت در درس کلاس آماده می کند

ب - دانش آموزان از هدف درس آگاه می شوند و درس برای آنان معنا و مفهوم پیدا می کند

ج - آماده سازی دانش آموزان سبب علاقه و شوق و ذوق می شود

د - آماده سازی دانش آموزان را ازدرس جلسه ی پیش به درس جدید جلب می کند

۳-ارائه درس جدید - در طرح درس باید رئوس مطالب جدیدی که قرار است تدریس شود مشخص گردد و فعالیت هایی که به روش ها و فنون تدریس مربوط می شود برای ارائه ی درس جدید معین کند مثلاً ضمن این که مطلبی را توضیح می دهد نقشه ، تصویر و یا نموداری هم به دانش آموزان نشان دهد " روش نمایشی "

۴-فعالیت های تکمیلی -فعالیت های تکمیلی آخرین قسمت طرح درس را تشکیل می دهد در این مرحله معلم درس را خلاصه و جمع بندی می کند . برای دانش آموزان تکلیف و تمرین در نظر می گیرد - مرورکردن درس وارتباط دادن مفاهیم خوانده شد موارد دیگری از فعالیت های تکمیلی است .

۵-ارزشیابی تکوینی " مرحله ای " پس از پایان یافتن تدریس و انجام فعالیت های تکمیلی معلم ، از نتیجه ی کار خود و میزان آموخته های دانش آموزان ارزشیابی به عمل می آورد .

مدیریت کلاس درس و راهنمایی یاد گیری

مدیریت کلاس درس به پیش بینی ها و روندهای ضروری برای ایجاد و حفظ محیطی که در آن یاددهی - یادگیری به وضوح می پیوندد تعریف شده است و بنیانی ترین هدف از مدیریت کلاسی اثر بخش همانا یاد گیری یا افزایش یادگیری دانش آموزان همچنین افزایش رفتار مطلوب و ایجاد یک محیط یاد گیری مناسب برای آنان است. به طور کلی در مدارس وظیفه ی اصلی هر مدیرآموزشی عبارت است از تسهیل امر یاد گیری وتقویت وضع آموزشی کودکان و بهتر ساختن ترکیب آنان از این رو می توان گفت : مدیریت آموزشی کوشش تربیتی است که برای انجام دادن کارآموزش و پرورش صورت میگیرد تمام تلاش یک مدیریت آموزشی براین است که محیطی به وجود آوردتا از استعداد های طبیعی معلمان در امرآموزش وپرورش حداکثر استفاده شود . اگر مدیر رفتار دانش آموزان رازیر نظر بگیرد و به موقع به هنگام ضرورت مداخله کند یکی از مهم ترین ارکان مدیریت کلاسی اثر بخش را انجام داده است اما یک مدیر خوب باید محیط آموزشی مناسبی در کلاس ایجاد نماید تا از میزان نیاز به مداخله ی او کاسته شود .اگر معلم کلاس طوری رفتار نماید که دانش آموزان او رابه عنوان مدیر کلاس بپذیرند از میزان بد رفتاریشان کاسته می شود و به نظم و خود جوشی بیشتری عادت می کنند مدیریت کلاس درس باید بکوشد هم چون یک ناظر تعلیماتی دانش آموزانش را طوری بار آورد تا خود آنان در حل مسایل انضباطی به یکدیگر یاری برسانند و انضباطی خود جوش در مدرسه برقرار سازند .